

وظایف و کار ویژه‌های دادگاه قانون اساسی جمهوری ایتالیا

مصطفی منصوریان^{۱*}، مسعود اخوان فرد^۲

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران

۲- دکتری حقوق بین‌الملل و رئیس دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۴

دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۰۱

چکیده

صیانت از قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و سند حقوقی سیاسی کشور نخست به لحاظ برتری قانون اساسی بر سایر قوانین و مقررات عادی که توسط پارلمان‌ها به تصویب می‌رسد، دوم به جهت تضمین لازم برای مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی و سوم از نقطه نظر پاسداری از نقض قانون اساسی توسط قوای حاکم امری کاملاً مهم و ضروری به حساب می‌آید که در همه نظام‌های حقوقی تدابیری برای آن اندیشیده شده است. نظام حقوقی جمهوری ایتالیا نیز به‌مثابه یکی از این کشورهاست که دادگاه قانون اساسی را برای نیل به این اهداف تأسیس نموده و از حدود نیم قرن تجربه آن برخوردار می‌باشد که این نوشتار به بررسی صلاحیت‌ها و کارویژه‌های نهاد مزبور می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: دادرسی اساسی، دادگاه قانون اساسی، مطابقت قوانین با قانون اساسی، تصمیمات دادگاه قانون اساسی.

مقدمه

نظام حقوقی هر کشور متشکل از نهادها و هنجارهایی است که در درون آن نظام با یکدیگر در تعامل بوده و همگی در راستای تحقق به اهداف مندرج در قانون اساسی قرار دارند. در واقع، قانون اساسی مبین اصول و ارزش‌های بنیادین یک نظام حقوقی است و همین امر، ضرورت پاسداشت مقررات آن را هویدا می‌سازد. بدین‌سان در این نوشتار، صیانت از قانون اساسی در ایتالیا را مورد بحث و بررسی قرار داده و به تبیین وظایف و کارویژه‌های دادگاه قانون اساسی این کشور، که چنین وظیفه مهمی را بر عهده دارد می‌پردازیم و در همین راستا نیز دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران به‌طور تطبیقی مورد توجه قرار می‌گیرد. درعین‌حال، برای درک بهتر و مقرون به صواب جایگاه دادگاه قانون اساسی ایتالیا، آشنایی با نظام حقوقی جمهوری ایتالیا مناسب و ضروری به‌نظر می‌رسد که ذیلاً به‌طور مختصر به آن می‌پردازیم:

تدوین نظام حقوقی ایتالیا بر اساس حقوق رم و قوانین ناپلئونی^(۱) فرانسه می‌باشد که در قرن نوزدهم و در دوره سلطنت ویکتور امانوئل^(۲) به دنبال آنکه ایتالیا به سرزمینی متحد^(۳) بدل گشت، قوانین سرزمین پادشاهی ساردینیا^(۴) سراسر این کشور را تحت تأثیر خود قرار داد. با روی کار آمدن موسولینی^(۵) در سال ۱۹۲۲ میلادی، رژیم فاشیستی ایتالیا^(۶) تأسیس شد و تا سال ۱۹۴۵ میلادی بر این کشور حاکم بود که با اعدام موسولینی در سال ۱۹۴۳ میلادی، مقدمات فروپاشی آن رژیم نیز فراهم گشت و در نهایت در هجدهم ژوئن سال ۱۹۴۶ میلادی در پی شرکت مردم ایتالیا در یک همه‌پرسی، نظام جمهوری پارلمانی^(۷) جایگزین رژیم دیکتاتوری شد (McGaw Smyth, 1948: 205-222).

شایان‌ذکر است که قانون اساسی ایتالیا در فاصله بین بیست و پنجم ماه ژوئن سال ۱۹۴۶ میلادی لغایت سی و یکم ماه ژوئیه سال ۱۹۴۷ میلادی به وسیله مجلس مؤسسان^(۸) این کشور تنظیم و سپس به تصویب رسید و از بیست و هفتم دسامبر سال ۱۹۴۷ میلادی نیز به اجرا درآمد (Einaudi, 1948:661-676; Adams and Barile, 1953,: 61).

قانون اساسی ایتالیا متشکل از ۱۳۹ ماده می‌باشد و به سه بخش اصلی قابل تقسیم است: اصول اساسی^(۹) (مواد ۱-۱۲)، حقوق و وظایف شهروندان^(۱۰) (مواد ۱۳-۵۴) و سازمان و تشکیلات جمهوری^(۱۱) (مواد ۵۵-۱۳۹).

در این رابطه، حکومت ایتالیا بر اساس اصل تفکیک قوا و حاکمیت قانون بنا گشته و

مشارکت سیاسی نیز در آن عمدتاً به‌طور غیرمستقیم و دموکراسی نمایندگی صورت می‌پذیرد^(۱۲) (Robbers, 2007: 445). طبق ماده ۵۵ قانون اساسی ایتالیا، قوه مقننه از دو رکن تشکیل شده است: الف - مجلس نمایندگان^(۱۳) که از ۶۳۰ نماینده برای یک دوره ۵ ساله تشکیل می‌شود؛^(۱۴) ب - مجلس سنا^(۱۵) که متشکل از ۳۱۵ سناتور منتخب مردم برای یک دوره ۵ ساله می‌باشد.^(۱۶) در خصوص وضع قانون نیز لازم به ذکر است که قوانین در صورتی مورد تأیید تلقی می‌گردند که یک لایحه یکسان توسط هر دو مجلس به تصویب برسد.^(۱۷) قوانین تصویب‌شده، پس از تصویب ظرف مدت یک ماه توسط رئیس‌جمهور توشیح می‌شوند.^(۱۸)

مسئله قابل توجه دیگر، انتخابات پارلمانی ایتالیا می‌باشد که رویه‌های حاکم بر آن به قوانین عادی واگذار کرده است. سابقاً^(۱۹) نظام رأی‌گیری تناسبی^(۲۰) به پراکندگی آراء و در نتیجه بی‌ثباتی نظام حاکم منجر می‌شد^(۲۱) و در نتیجه برای مقابله با این مسئله، در سال ۲۰۰۵ اصلاحاتی در قانون انتخابات ایتالیا به‌عمل آمد و مطابق با قانون اصلاح شده مذکور،^(۲۲) هر حزبی که بتواند بیش‌ترین آراء (اکثریت نسبی) یک حوزه را بدست آورد، دارای ۵۵ درصد کرسی‌های آن ناحیه نیز خواهد شد.

رئیس‌جمهور ایتالیا نیز رئیس حکومت و مظهر وحدت ملی است^(۲۳) و با رأی مخفی و اکثریت دو سوم اعضای شرکت‌کننده در اجلاس مشترک مجلسین و یا پس از دور سوم رأی‌گیری با اکثریت مطلق آراء اعضاء مزبور برای یک دوره هفت ساله انتخاب می‌گردد.^(۲۴) نکته شایان توجه در خصوص اعمال دادرسی اساسی در ایتالیا اینکه چنین امری توسط «دادگاه قانون اساسی» به‌عنوان یک نهاد خاص قضایی انجام می‌پذیرد و وظیفه اصلی این نهاد بررسی انطباق قوانین عادی با قانون اساسی است، درعین حال که کارویژه‌های مهم دیگری را نیز بر عهده دارد.^(۲۵)

۱. پیشینه دادگاه قانون اساسی ایتالیا

دادگاه قانون اساسی نهاد نسبتاً جدیدی است که مشابه آن قبل از قانون اساسی ۱۹۴۷ میلادی ایتالیا وجود ندارد. این نوع نظارت قانونی برای اولین بار در دهه ۱۹۲۰ میلادی بر اساس نظریه‌های حقوقدان مشهور اتریشی، هانس کلسن^(۲۶) شکل گرفته است و بدین ترتیب نیز بعد از جنگ جهانی دوم، آشکال متفاوت دادگاه قانون اساسی در قوانین

اساسی کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق به گونه‌ای در نظر گرفته شد.^(۲۷) قانون اساسی جدید ایتالیا در سال ۱۹۴۷ میلادی، دادگاه قانون اساسی را مورد پیش‌بینی قرار داد که البته این نهاد به دلیل مشکلات سیاسی^(۲۸) در انتخاب قضات در سال ۱۹۵۶ تأسیس یافت و بدین ترتیب ایتالیا در طی این دوره (۱۹۴۷-۱۹۵۶) سیستم غیرمتمرکز دادرسی اساسی را تجربه نمود که در آن دادگاه‌های عادی از اعمال قوانینی که آن‌ها را خلاف قانون اساسی تشخیص می‌دادند، خودداری می‌نمودند و این تجربه نیز به‌خاطر عدم تمایل قضات دادگاه‌های عادی و اداری به اجرای اصول قانون اساسی جدید به‌طور قابل توجهی مورد انتقاد قرار گرفت (Gianluca, 2008: 3).

۲. ساختار شکلی دادگاه قانون اساسی ایتالیا

مواد ۱۳۴ تا ۱۳۷ قانون اساسی ایتالیا چارچوب کلی دادگاه قانون اساسی را مشخص می‌کند و قوانین بنیادین ۱۱ مارس ۱۹۵۳ (شماره ۱) و ۹ فوریه ۱۹۴۸ (شماره ۱) و قانون موضوعه ۱۱ مارس ۱۹۵۳ (شماره ۸۷) به تبیین وضعیت حقوقی و چگونگی کارکرد دادگاه قانون اساسی می‌پردازند.^(۲۹) علاوه بر این نیز، دادگاه قانون اساسی ایتالیا در سال ۱۹۵۶ رویه‌های رسیدگی خود را قبل از پذیرش پرونده‌ها اعلام نموده است. (A. Alito, 1972: 13)

دادگاه قانون اساسی ایتالیا به‌عنوان دادگاهی خاص و فارغ از گرایش‌های سیاسی، خارج از ساختار سلسله‌مراتبی دادگاه‌های عادی در پاسخ به نظریه «تمرکز در نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی» تشکیل شده است.^(۳۰) (Farrelly and H. Chan, 1957: 324).

طبق ماده ۱۳۵ قانون اساسی ایتالیا، دادگاه قانون اساسی متشکل از ۱۵ قاضی می‌باشد که مشتمل بر قضات یا قضات بازنشسته بالاترین سطوح قضایی (دیوان عالی کشور، دیوان محاسبات و شورای دولتی)، اساتید حقوق و وکلای با حداقل بیست سال تجربه کاری می‌باشد.^(۳۱) ۵ قاضی توسط رأی اکثریت سه دادگاه عالی ایتالیا انتخاب می‌شوند: دیوان عالی کشور^(۳۲) به‌عنوان عالی‌ترین دادگاه عادی سه قاضی را انتخاب می‌نماید. دیوان محاسبات^(۳۳) به‌عنوان نهاد مستقل اداری و مالی که اعمال قوه مجریه در این خصوص را کنترل می‌نماید، یک قاضی را انتخاب کرده و شورای دولتی^(۳۴) نیز به‌عنوان نهاد مستقلی که بر پیش‌نویس صورت حساب‌ها و مصوبات نظارت می‌کند، یک قاضی را انتخاب می‌نماید. ۵ قاضی توسط رئیس‌جمهور معرفی می‌گردند و ۵ قاضی آخر نیز با رأی

اکثریت اعضای مجلسین که در این رابطه جلسه مشترکی را ترتیب می‌دهند، تعیین می‌شوند. نصاب اکثریت لازم در رابطه با رأی پارلمان، در سه رأی‌گیری اول دو سوم و سپس سه پنجم می‌باشد که این مسئله برای اقلیت پارلمان به‌نوعی قدرت و تو ایجاد می‌نماید. این مسئله به‌وضوح در دوره نخست‌وزیری سیلیویو برلوسکونی^(۳۵) مشاهده شده است، بدین ترتیب که دولت برلوسکونی یکی از وزرای سابق که از دولت دینی^(۳۶) عزل شده بود را به دادگاه قانون اساسی معرفی می‌نمود و جبهه چپ میانه نیز از رأی دادن به وی خودداری می‌کرد و نهایتاً پس از ماه‌ها وقفه، برلوسکونی مجبور به معرفی شخص دیگری شد (Ferrari, 2008: 194).

قضات دادگاه برای یک دوره نه ساله که قابل تمدید نمی‌باشد منصوب شده و پس از آن یا بازنشسته گشته و یا به حرفه سابق خود باز می‌گردند. ریاست دادگاه قانون اساسی نیز با رأی اکثریت مطلق اعضا برای مدت سه سال انتخاب گشته که البته قابل تمدید می‌باشد (A. Alito, 1972: 13-15). لازم به ذکر است که برای تصمیمات قضایی حضور حداقل ۱۱ قاضی الزامی است و در خصوص تصمیمات غیر قضایی حضور ۹ قاضی مورد نیاز می‌باشد^(۳۷) (Ferrari, 2008: 194). علاوه بر این، طبق بند ۳ ماده ۱۶ قانون شماره ۸۷ سال ۱۹۵۳ میلادی، تصمیمات دادگاه قانون اساسی باید توسط قضاتی صادر شود که در تمامی جلسات موضوع مربوط شرکت داشته‌اند.

ترتیبات متعددی نیز برای صیانت از استقلال قضات دادگاه قانون اساسی پیش‌بینی شده است: حقوق قضات باید به میزان و یا بالاتر از حقوق قضات عالی‌ترین سطح دادگاه‌های عمومی باشد؛ دادگاه قانون اساسی، خود در خصوص تمامی مسائل مرتبط با انتخاب یا انتصاب اعضای دادگاه تصمیم می‌گیرد؛ هیچ یک از قضات قابل عزل نمی‌باشند مگر با رأی دو سوم آراء دادگاه و تنها دلیل برای وقوع چنین امری نیز صرفاً ناتوانایی‌های جسمی یا ناکارآمدی قابل توجه در کار می‌باشد^(۳۸)؛ قضات دادگاه قانون اساسی را نمی‌توان دستگیر نمود مگر با مجوز دادگاه که البته در خصوص جرائم بسیار خطرناک خاص در این زمینه استثنائاتی وجود دارد. علاوه بر این، قضات تا زمانی که در دادگاه اشتغال دارند از شغل یا موقعیت دیگری که مستلزم دریافت حقوق باشد ممنوع می‌باشند. همچنین جمع بین قضاوت در دادگاه و ریاست دانشگاه، فعالیت سیاسی و خدمت در هیئت‌هایی که در چارچوب دادگاه‌ها تشکیل می‌شوند، امکان‌پذیر نمی‌باشد^(۳۹) (A. Alito, 1972: 14).

در واقع، پیش‌بینی چنین ترتیباتی بدین‌منظور بوده که از یک‌سو قضات دادگاه قانون اساسی فراتر از احزاب سیاسی قرار گیرند و از فشارها و دخالت‌های سیاسی مصون بمانند و از سوی دیگر نیز قضات امکان اظهار آزادانه نظرات خود را بدون نیاز به توجیه آن در خارج از دادگاه داشته باشند که البته اصل ممنوعیت افشای نظرات فردی قضات به دلیل اینکه موجب عدم شفافیت می‌گردد با انتقاد مواجه شده است (Tania, 2010: 2-3).

لازم به ذکر است که دادگاه مزبور دارای مقرّ رسمی و بودجه مستقل^(۴۰) می‌باشد و به‌طور مستقل در خصوص هزینه‌های خود تصمیم می‌گیرد^(۴۱) (Quaranta, 2012: 27).

۳. صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی ایتالیا

طبق ماده ۱۳۴ قانون اساسی ایتالیا، دادگاه قانون اساسی از اختیارات ذیل برخوردار می‌باشد:^(۴۲)

۱-۳. بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی

اولین و مهم‌ترین وظیفه دادگاه قانون اساسی «بررسی انطباق قوانین و مقررات قانونی با قانون اساسی» می‌باشد. طبق اظهارنظر دادگاه قانون اساسی، «قانون» مشتمل بر قوانین مصوب پارلمان، مصوبات تقنینی دولت که با تفویض اختیار از سوی پارلمان صورت پذیرفته^(۴۳) و قوانین موضوعه ایالات می‌باشد.^(۴۴) بر همین اساس مصوبات فرعی مانند مقررات اداری توسط دادگاه قانون اساسی مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند و دادگاه‌های عادی به این امر می‌پردازند (Quaranta, 2012: 27). علاوه بر این، رسیدگی به قوانینی که حتی قبل از قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی لازم‌الاجراء گشته‌اند نیز مندرج در صلاحیت این دادگاه می‌باشد^(۴۵) (Ferrari, 2008: 195).

قانون بنیادین شماره ۱ سال ۱۹۴۸ و نیز مجلس مؤسسان قانون اساسی ایتالیا در مورد شروع رسیدگی توسط دادگاه قانون اساسی بدین‌صورت اظهارنظر کرده‌اند که این دادگاه نمی‌تواند مستقلاً به رسیدگی مبادرت ورزد و هرگونه رسیدگی باید به درخواست یکی از قضات عادی که در صدد اعمال قانونی که در جریان رسیدگی به دعوی به آن استناد نموده است، صورت پذیرد و در این رابطه صرف «تردید» قاضی در مطابقت قانون مطرح با قانون اساسی برای ارجاع موضوع به دادگاه قانون اساسی کفایت می‌کند؛ به‌دیگر عبارت، قاضی برای ارجاع موضوع به دادگاه قانون اساسی نیازی به متقاعد شدن در خصوص

وجود عدم مطابقت ندارد. این نوع از دادرسی اساسی به‌عنوان دادرسی ضمنی یا اتفاقی^(۴۶) شناخته می‌شود که در آن مسئله مورد نظر به سهولت و به‌طور مستقیم در دادگاه قانون اساسی مطرح نمی‌شود، بلکه دعوایی باید در جریان باشد که در آن دعوی نیز قاضی دادگاه در صدد اعمال قانونی است و نسبت به عدم مطابقت آن قانون با قانون اساسی در تردید می‌باشد.^(۴۷)

حال، چنین درخواستی باید موارد چهارگانه ذیل را تبیین نماید:

الف- ماده مندرج در قانون اساسی که به نظر نقض شده است؛

ب- قانون موضوعه‌ای که ادعا شده با قانون اساسی مطابقت ندارد؛

ج- دلایلی که طرح این مسئله را وارد دانسته است؛

د- دلایلی که تبیین می‌کند مسئله مطرح شده به وضوح بی‌اساس^(۴۸) نبوده و در دعوی

مطروحه تاثیرگذار می‌باشد (Ferrari, 2008: 198).

از سویی، فرآیند مندرج در ماده ۱۲۷ قانون اساسی ایتالیا^(۴۹) برای ایالات نیز قابل استفاده می‌باشد و به‌واسطه آن هر کدام می‌تواند ادعای خود مبنی بر عدم مطابقت قانون ایالت دیگر با قانون اساسی را به دادگاه قانون اساسی مطرح کند. حال در صورتی که دادگاه قانون اساسی قانونی را مغایر قانون اساسی اعلام نماید، پس از انتشار تصمیم دادگاه قانون اساسی، اثر اجرایی قانون مزبور از بین می‌رود و این مسئله نه تنها در خصوص موضوع و پرونده مطرح شده بلکه به‌طور کلی در همه موضوعات مشابه (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۸) اثرگذار بوده و قطعی تلقی می‌گردد.

لازم به ذکر است که درخواست رسیدگی به ادعای عدم مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی از سوی طرفین دعوا (یا نمایندگان ایشان) نیز قابل طرح می‌باشد. البته در چنین فرضی قاضی پرونده ملزم است در وهله اول وارد بودن طرح مسئله مزبور را بررسی کرده و در وهله بعد نیز، تاثیرگذاری رسیدگی به عدم مطابقت قانون با قانون اساسی را تعیین نماید (Quaranta, 2012: 27).

۲-۳. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر و نیز بین دستگاه‌های دولتی

با توجه به اینکه در جمهوری ایتالیا منطقه‌گرایی به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است، حل و فصل تعارضات اختیارات بین مناطق مزبور در زمره وظایف و اختیارات

دادگاه قانون اساسی ایتالیا قرار گرفته است.

در این رابطه شایان ذکر است که اولین تجربه منطقه‌گرایی در ایتالیا به سال ۱۹۴۶ میلادی و ایالت سیسیلی^(۵۰) مربوط می‌شود که قانون مصوب دولت به شماره ۴۵۵ در سال ۱۹۴۶ میلادی،^(۵۱) قدرت قابل ملاحظه‌ای از قبیل اختیارات قانونگذاری، استقلال مالی و... را به ایالت مزبور اعطا نمود (Panjo, 2009: 627). در قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی منطقه‌گرایی برای ۱۵ ایالت عادی مورد پذیرش قرار گرفته است.^(۵۲)

۳-۲-۱. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر
دولت می‌تواند به‌طور مستقیم علیه قانون یک ایالت درخواست بررسی عدم مطابقت با قانون اساسی دهد و در مقابل نیز یک ایالت می‌تواند علیه قانون ملی و یا قانون به تصویب رسیده ایالت دیگر چنین درخواستی را اقامه کند. در این نوع دعاوی قواعد حاکم بر رسیدگی، رویه‌ها، تصمیمات و آثار آنها به همان ترتیبی است که در خصوص دیگر درخواست‌ها وجود دارد.

درخواست بررسی تجاوز از حدود اختیارات دولت مرکزی یا هر یک از ایالات نیز در خصوص اعمال اداری، اعمال قضایی و... به دادگاه قانون اساسی ارجاع می‌گردند. در واقع ایالتی که ادعا می‌کند دولت یا ایالت دیگر از حدود اختیارات قانونی خود تجاوز نموده، می‌تواند درخواست رسیدگی به این مسئله را از دادگاه قانون اساسی بخواهد و دولت مرکزی نیز، به‌نوبه خود از چنین اختیاری برخوردار می‌باشد. در چنین مواردی، دادگاه قانون اساسی تصمیم خود را این‌گونه اعلام می‌دارد که قانون مزبور چگونه بدون ورود به حوزه صلاحیت قسمت دیگر باید اعمال گردد و نهایتاً نیز ممکن است عمل غیرقانونی مزبور را ملغی اعلام نماید (Quaranta, 2012: 37).

۳-۲-۲. حل و فصل تعارضات اختیارات بین دستگاه‌های دولتی
اگر یکی از دستگاه‌های دولتی ادعا نماید که اختیار قانونی آن توسط دستگاه دیگری نقض شده است، مسئله به دادگاه قانون اساسی ایتالیا ارجاع می‌گردد. در ابتدا این نوع از دعاوی به بدنه قضایی حکومت محول نمی‌گشت و راه‌حل‌های سیاسی برای آن اندیشیده می‌شد، اما از آنجا که دادگاه قانون اساسی برای تضمین اعمال منصفانه قواعد حاکم بر تفکیک اختیارات طراحی شده است، چنین مواردی نیز به دادگاه قانون اساسی واگذار می‌گردند. لازم به ذکر است که اختلاف مزبور ممکن است بین یک دستگاه قضایی و یکی از مجلسین،

بین یکی از وزراء و یکی از مجلسین، بین دولت و دادستان عمومی و... به وجود آید. حتی ممکن است در این رابطه بین دادگاه قانون اساسی و دستگاه دیگر اختلافی پدید آید که در چنین مواردی، از آنجا که نهاد سوم دیگری برای داوری وجود ندارد، دادگاه به‌طور همزمان به‌عنوان داور و نیز یکی از طرفین دعوی عمل می‌نماید (Quaranta, 2012: 38).

۳-۳. رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس‌جمهور

طبق ماده ۹۰ قانون اساسی ایتالیا^(۵۳) رئیس‌جمهور مسئولیتی در مقابل اجرای وظایف خود ندارد مگر آنکه مرتکب خیانت به میهن یا تعدی به قانون اساسی گردد. «اعلام جرم رئیس‌جمهور» باید از پارلمان نشئت گیرد و در نشست مشترک مجلسین رأی اکثریت اعضاء را به خود اختصاص دهد که در صورت رأی به وارد بودن اتهام به رئیس‌جمهور، این مسئله طی دو روز به همراه مدارک و شواهد موجود به دادگاه قانون اساسی ارجاع می‌شود. طی دو روز دیگر، ریاست دادگاه به بررسی اتهام یا اتهامات وارده و شواهد پیوستی آن اقدام کرده و پس از خاتمه بررسی، ریاست دادگاه قانون اساسی بیست روز برای تعیین زمان دادرسی مهلت دارد.

در تاریخ تعیین شده جهت دادرسی، به‌موجب ماده ۱۳۵ قانون اساسی ایتالیا^(۵۴) علاوه بر قضات دیوان قانون اساسی، ۱۶ نفر نیز به حکم قرعه از اعضای مندرج در فهرست شهروندان واجد شرایط سناتوری که پارلمان هر نه سال یک‌بار با همان ترتیب و شرایط ویژه انتخاب قضات عادی گردآوری می‌کند، در جلسات دادگاه قانون اساسی شرکت می‌نمایند و بدین ترتیب نیز حد نصاب لازم برای تشکیل جلسه دادرسی حضور ۲۱ نفر از اعضاء می‌باشد که اکثریت آن باید با اعضاء اضافه شده مربوطه باشد و اگر قضات در یکی از جلسات حاضر نباشند، از حضور در جلسه نهایی تصمیم‌گیری محروم خواهند شد. در نهایت نیز اگر اکثریت مزبور به اتهام وارد آمده رأی دهد، اتهام مزبور اثبات می‌گردد. رأی دادگاه قانون اساسی در این خصوص قطعی و غیر قابل فسخ می‌باشد و در عین حال اگر حقایق و مدارک جدیدی برای اثبات بی‌گناهی به دست آید، در رأی صادره تجدید نظر صورت می‌پذیرد^(۵۵) و^(۵۶) (Farrelly and H.Chan, 1957: 324-325).

۳-۴. رسیدگی به درخواست همه‌پرسی

ماده ۷۵ قانون اساسی ایتالیا در خصوص شرایط اعلام همه‌پرسی تعیین تکلیف نموده است و یکی از شروط آن را درخواست پانصد هزار نفر از شهروندان یا پنج شورای ایالتی

در رابطه با برگزاری همه‌پرسی برای لغو کلی یا جزئی یک قانون، مطرح نموده است که در ذیل این ماده نحوه اجرای همه‌پرسی به قانون عادی واگذار شده است. بر همین اساس ماده ۲ قانون شماره ۱ مارس ۱۹۵۳ میلادی، دادگاه قانون اساسی را مرجع ذی‌صلاح برای اظهارنظر در خصوص امکان‌پذیر بودن برگزاری همه‌پرسی عنوان کرده است.^(۵۷)

در ابتدا این تصور وجود داشت که نقش دادگاه قانون اساسی صرفاً به چهار مورد مذکور در ماده ۷۵ قانون اساسی^(۵۸) (قوانین مالیاتی، قوانین بودجه، عفو و بخشودگی و تخفیف مجازات و تصویب معاهدات بین‌المللی) محدود است و دادگاه قانون اساسی فقط بررسی می‌نماید که در این موارد مراجعه به همه‌پرسی صورت نپذیرد. اما دادگاه قانون اساسی در رأی شماره ۱۶ سال ۱۹۷۸ میلادی اعلام داشت که علاوه بر موارد مندرج در ماده ۷۵ قانون اساسی، ممکن است موارد دیگری از اصول مربوط به قانون اساسی و ماهیت همه‌پرسی مورد استنباط قرار گیرند که امکان مراجعه به همه‌پرسی در آن‌ها نیز وجود نداشته باشد (Quaranta, 2012: 38).

۳-۵. تفسیر قانون اساسی

یکی دیگر از وظایف دادگاه قانون اساسی ایتالیا تفسیر قانون اساسی می‌باشد که البته به‌طور تبعی و در جریان رسیدگی به درخواست قضات در خصوص عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی صورت می‌پذیرد^(۵۹) و دادگاه قانون اساسی به هنگام مواجهه با درخواست‌های رسیدگی به مطابقت قوانین با قانون اساسی با توجه به مقتضیات حاکم، برداشت خود را از اصول قانون اساسی ابراز می‌نماید. به‌عنوان مثال، دادگاه قانون اساسی در سال ۱۹۶۱ میلادی درخواست بررسی عدم مطابقت قانونی که ارتکاب زنای محصنه توسط زنان^(۶۰) را به‌عنوان جرم جنائی معرفی نمود و برای آن به تعیین مجازات پرداخت، با تصمیم شماره ۶۴/۶۱ دادگاه قانون اساسی رد کرد (مغایر با قانون اساسی شناخته نشد). درعین حال، درخواست بررسی قانون مزبور در سال ۱۹۶۸ در دادگاه قانون اساسی قبول شده و طبق رأی شماره ۶۸/۱۲۶ با این استدلال که اخلاق و تساوی حقوقی میان همسران را نقض می‌کند، مغایر مواد ۳ و ۲۹ قانون اساسی شناخته شد. البته لازم به ذکر است که قضات دادگاه‌های عادی نیز تفسیر خود از قانون اساسی را اعمال می‌کنند و چنانچه موضوع به دادگاه قانون اساسی ارجاع داده شود، تفسیر دادگاه قانون اساسی از قانون اساسی معتبر و لازم‌الاتباع خواهد بود (Quaranta, 2012: 35).

۴. محدودیت‌های وارده بر صلاحیت‌های دادگاه قانون اساسی

در رابطه با مهم‌ترین صلاحیت دادگاه قانون اساسی یعنی رسیدگی بر مطابقت قوانین و مقررات با قانون اساسی، محدودیت‌هایی در خصوص مواد ۱۳۴ تا ۱۳۷ قانون اساسی، قانون بنیادین شماره ۱ مصوب سال ۱۹۴۸ میلادی و قانون شماره ۸۷ سال ۱۹۵۳ میلادی به شرح ذیل وجود دارد:

۴-۱. محدودیت در شیوه ارجاع

نظام حقوقی ایتالیا صرفاً «دادرسی غیر مستقیم»^(۶۱) را پیش‌بینی نموده است که به‌طور عمده از دادرسی قضایی جداگانه‌ای ناشی می‌شود. در واقع، نخستین وهله در دادرسی اساسی به قضات عادی مربوط است که لزوم ارجاع موضوع به دادگاه قانون اساسی را تشخیص می‌دهند. فرآیند رسیدگی در دادگاه با صدور «درخواست گواهی» از سوی قاضی آغاز می‌شود که به‌موجب آن، قاضی تمام اقدامات خود را تعلیق نموده و مسئله مربوطه را به دادگاه قانون اساسی ارجاع می‌دهد و در این درخواست باید ارتباط و نیز معقول بودن ادعای مزبور را در خصوص نقض قانون اساسی، مطرح نماید (Groppi, 2010: 103) و بدین ترتیب، این دادرسی صرفاً از طریق ارجاع قضات دادگاه‌های عادی و در جریان یک دعوی قابل طرح می‌باشد.

همچنین در خصوص «دادرسی مستقیم» بر طبق ماده ۱۲۷ قانون اساسی ایتالیا^(۶۲) طریقی در نظر گرفته شده که این روش نیز تا حدی محدود است. در این رابطه، دادرسی مستقیم صرفاً ابزاری جهت تضمین تفکیک اختیارات میان دولت و ایالات می‌باشد (Groppi, 2010: 103). در واقع، دولت می‌تواند با رعایت شرایط ذیل قوانین ایالتی را پیش از انتشار آنها، به دادگاه قانون اساسی ارجاع دهد: اگر نماینده دولت تشخیص دهد که یک قانون ایالت از «حدود صلاحیت‌های ایالت تجاوز نموده» یا «مخالف با منافع ملی یا منافع دیگر ایالت‌ها» می‌باشد، می‌تواند آن را به شورای ایالت تصویب‌کننده عودت دهد. در صورتی که شورای ایالت با اکثریت مطلق آرا بر نظر پیشین خود اصرار ورزد، نخست‌وزیر می‌تواند تا ۱۵ روز پس از اطلاع از اصرار شورای ایالت بر رأی پیشین خود، به دادگاه قانون اساسی شکایت کند. این شکایت، تعلیقی است و دادگاه نیز مهلتی برای صدور حکم ندارد. دادگاه می‌تواند شکایت مطرح شده را رد کرده یا پس از یک بحث توافقی (با حضور دولت و ایالت مورد بحث) به ابطال قانون مورد شکایت مبادرت ورزد.

(فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۵) و بدین صورت تنها نهادی که امکان ارجاع موضوع به دادگاه را دارد، نماینده دولت است و دادرسی دادگاه از این جهت با محدودیت مواجه می‌باشد.

۲-۴. محدودیت در صلاحیت بررسی

دادرسی اساسی در ایتالیا منحصرأً به «قوانین»^(۶۳) اختصاص یافته و به‌عنوان نمونه شامل مقررات اداری نمی‌گردد و این‌گونه مقررات توسط دادگاه‌های عادی مورد نظارت قرار می‌گیرند (Groppi, 2010: 103). علاوه بر این، طبق ماده ۲۷ قانون شماره ۸۷ مصوب سال ۱۹۵۳ میلادی، صلاحیت اظهارنظر دادگاه قانون اساسی محدود به موارد مطرح شده در شکوائیه یا قرار احاله می‌باشد و دادگاه نمی‌تواند فراتر از موضوع مورد درخواست دادرسی نماید. درعین حال، در ماده مزبور بر این محدودیت، استثنائی وارد گشته است که مطابق آن دادگاه می‌تواند دایره ابطال را به مقرراتی تسری دهد که «در نتیجه رأی دادگاه، مشروعیت اساسی خود را از دست می‌دهند».^(۶۴) البته لازم به ذکر است که دادگاه قاعده مطرح شده را مورد تقلیل و تصحیح قرار داده و در همین راستا با نوعی تفسیر موسع نسبت به شکوائیه یا قرار احاله برخورد می‌نماید، یعنی به‌صورت کاملاً دقیق خود را مقید به مقررات و قواعد مورد استناد طرفین یا استدلال‌های مطروحه در شکوائیه یا قرار احاله نمی‌کند (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۱۸).

۳-۴. محدودیت در آثار

در دادگاه قانون اساسی ایتالیا، آراء به دو صورت صادر می‌شوند: آراء پذیرش (ابطال)^(۶۵) و آراء رد.^(۶۶) مطابق ماده ۱۳۶ قانون اساسی ایتالیا^(۶۷) صرفاً آراء پذیرش (ابطال) دارای اعتبار امر مختومه می‌باشند و بدین ترتیب مقرراتی که مغایر قانون اساسی اعلام شوند، از فردای انتشار رأی دادگاه فاقد اثر حقوقی تلقی می‌شوند. درعین حال آراء رد، فاقد اعتبار امر قضاوت شده می‌باشند و فقط بین طرفین دعوی دارای اثر می‌باشد. در نتیجه پس از رأی رد یک موضوع توسط دادگاه قانون اساسی، قاضی اصلی یا مقام صلاحیت‌دار دیگر مجدداً می‌تواند همان موضوع را به‌همان دلیل یا دلیل دیگر مطرح نماید (Groppi, 2010: 103).

۵. انواع تصمیمات دادگاه قانون اساسی

تصمیمات دادگاه در دو دسته عمده قابل تقسیم بندی می‌باشند: آراء و دستورات.^(۶۸) «رأی» تصمیم نهایی و غیرقابل تجدید نظر دادگاه است که به فرآیند دادرسی دادگاه

خاتمه می‌دهد و به دو دسته آراء پذیرش (ابطال) و آراء رد تقسیم می‌شود؛ درعین حال، «دستور» فاقد چنین خصیصه‌هایی می‌باشد. علاوه بر موارد مذکور، طبقه‌بندی‌های دیگری نیز از تصمیمات دادگاه وجود دارد که به شرح ذیل می‌باشند:

۱-۵. رأی به عدم پذیرش^(۶۹)

این تصمیم زمانی صادر می‌شود که دادگاه شرایط پیش‌بینی شده برای تصمیم‌گیری در خصوص ارجاع موضوع پرونده به دادگاه قانون اساسی را رعایت ننموده است (Ferrari, 201: 2008). به عبارت دیگر، دادگاه در صورتی رأی عدم‌پذیرش را صادر می‌نماید که:

الف. ادعای مغایرت با قانون اساسی از سوی مرجع ذی‌صلاح طرح نشده باشد.

ب. شرایط شکلی طرح ادعای مغایرت از سوی دادگاه رعایت نشده باشد.

ج. موضوع مورد نظر، قابل تجدیدنظر توسط دادگاه نباشد. به‌عنوان مثال، قانون مزبور با قانون اتحادیه اروپا در تضاد باشد که در این حالت قاضی موظف است از اجرای قانون داخلی جلوگیری نماید.

د. دادگاه ادعای مغایرت با قانون اساسی را به‌وضوح بی‌اساس تلقی نماید.

۲-۵. قبول و رد

همان‌طور که بیان گشت، این تصمیمات آرائی هستند که دادگاه مسئله مغایرت با قانون اساسی را در خصوص آن‌ها پذیرفته و ماده مورد بررسی را مغایر قانون اساسی اعلام می‌نماید و یا اینکه ادعای مزبور را رد کرده و به عدم مغایرت قانون با قانون اساسی حکم می‌نماید. در این رابطه آنچه حائز اهمیت است اینکه آراء رد صرفاً در همان موضوع مطروحه اثرگذار خواهد بود، درحالی‌که وقتی دادگاه قانون اساسی قانونی را مغایر قانون اساسی اعلام می‌نماید، رأی مزبور اثری عام الشمول خواهد داشت. علاوه بر این، اصل قابل توجه در رأی صادره دادگاه اینکه طبق تصریح ماده ۲۷ قانون شماره ۸۷ سال ۱۹۵۳ میلادی، رأی دادگاه الزاماً باید حاوی تطابق کاملی با مسئله مطرح شده در دادگاه باشد (Ferrari, 202: 2008). درعین حال، ماده مزبور استثنائی را نیز بدین صورت وارد نموده که دادگاه می‌تواند در نتیجه اعلام مغایرت با قانون اساسی، مواد دیگر قانونی که قاضی به دادگاه ارجاع ننموده است نیز مغایر قانون اساسی اعلام نماید. علت آنکه با رأی دادگاه

که به صراحت قانونی را مغایر قانون اساسی عنوان نموده، مواد دیگر مربوط نیز به طور ضمنی ملغی‌الاثراً تلقی می‌گردند.

۳-۵. آراء تفسیری^(۷۰)

این نوع از آراء بر مبنای تفاوت میان منطوق ماده و مفهوم آن شکل گرفته است. منطوق، متن مدون قانون‌گذاری شده است و مفهوم، معنایی است که قضات از ماده قانونی در مقام صدور حکم استنباط می‌کنند. بر همین اساس، دادگاه قانون اساسی آراء تفسیری قبول و رد^(۷۱) صادر می‌نماید.

در صورتی که دادگاه رأی تفسیری قبول صادر نماید، مغایرت ماده مطرح شده با قانون اساسی را بر مبنای فرآیند استدلالی خاص اعلام می‌نماید و در واقع بیان می‌دارد که دادگاه نسبت به اینکه یکی از مفاهیم متصور از ماده مغایر قانون اساسی نباشد، متقاعد گشته اما آنچه در عمل واقع شده این است که توسعه معنایی اعطا شده به ماده خلاف قانون اساسی است و دادگاه نیز در نتیجه قانون را مغایر قانون اساسی اعلام می‌نماید و در خصوص آراء تفسیری رد برعکس مطالب فوق‌الذکر صادق خواهد بود (Ferrari, 2008: 203). به عبارت دیگر، معنایی که از سوی قاضی به ماده اعطا گشته است موجب چنین آرای می‌گردد؛ در واقع در رأی تفسیری قبول، دادگاه معنایی را که به ماده اعطا شده منطبق بر قانون اساسی می‌داند، اما آنچه قضات در عمل به آن استناد می‌کنند قانون اساسی را نقض می‌نماید.

۴-۵. آراء ساختگی^(۷۲)

بر خلاف آراء تفسیری، این آراء صرفاً در خصوص آراء قبول صادر می‌شوند. وجه تسمیه این آراء این است که دادگاه قانون اساسی صرفاً به اعلام عدم مغایرت ماده مورد بحث نمی‌پردازد و بلکه به‌طریقی در صدد اصلاح یا ادغام ماده مزبور بر می‌آید (Ferrari, 2008: 203). به‌عنوان مثال در دعوی مربوط به انحصار عمومی در رادیو و تلویزیون، دادگاه تأیید انحصار توسط قانونگذار را مغایر با قانون اساسی اعلام نمود و به‌صورت دقیق پیشنهاد کرد که چگونه و با چه محتوایی قانون جدیدی در خصوص انحصار تصویب شود تا مغایر قانون اساسی اعلام نگردد. دولت و قوه مقننه نیز ارشادات دادگاه قانون اساسی را برای تدوین قانون جدید مورد توجه و عمل قرار دادند (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

۶. دادگاه قانون اساسی ایتالیا و حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین

حقوق گوناگونی از قبیل حقوق اقتصادی- اجتماعی مورد حمایت دادگاه قرار گرفته است و این حمایت به دو طریق صورت می‌پذیرد: در طریق نخست، دادگاه حقوق مزبور را به‌عنوان شاخصه‌هایی برای تفسیر به‌کار می‌برد و در طریق دیگر نیز حقوق مزبور را به‌عنوان حقوق واقعی و مستقل در نظر می‌گیرد.^(۷۳) دادگاه قانون اساسی ایتالیا با پذیرش نظارت بر قوانین مصوب در برهه پیش از تصویب قانون اساسی ۱۹۴۷ میلادی نقش بسیار حساسی را در زمینه پشتیبانی از حقوق بنیادین ایفا نموده است و در این راستا به تصفیه قوانین دوره فاشیسم و زدودن آثار شوم آن‌ها پرداخت که بدین ترتیب ۸۰ درصد ابطال‌های اعلام شده در سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۹ میلادی مربوط به نقض آزادی‌های کلاسیک و حقوق دفاعی توسط قوانین مصوب در برهه مزبور می‌باشد (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

دادگاه قانون اساسی ایتالیا در زمینه‌های مرتبط با صلاحیت خود نیز به حفظ ارتباط با دادگاه‌های بین‌المللی پرداخته است. یکی از این دادگاه‌ها «دادگاه اروپایی حقوق بشر»^(۷۴) است که دعوی فردی نقض حقوق بشر را مورد رسیدگی قرار می‌دهد^(۷۵) و این نوع رسیدگی با آنچه دادگاه قانون اساسی ایتالیا تضمین می‌نماید، تفاوت عمده‌ای ندارد. تفاوت اصلی اینکه دادگاه قانون اساسی ایتالیا صرفاً «قوانین» را بررسی نموده و در خصوص عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی تصمیم‌گیری می‌نماید و حال آنکه دادگاه اروپایی حقوق بشر رسیدگی به نقض حقوق بشر را فارغ از وجود یک قانون، اجرای نادرست قانون و... بر عهده دارد (Quaranta, 2012: 53).

مطابق تصمیمات شماره ۳۴۸ و ۳۴۹ دادگاه قانون اساسی ایتالیا، از سال ۲۰۰۷ میلادی قوانینی که در تضاد با دادگاه اروپایی حقوق بشر بوده‌اند، مغایر با قانون اساسی تلقی گردیده‌اند و بر همین اساس نیز ماده ۱۱۷ قانون اساسی ایتالیا توسط قانون بنیادین شماره یک در سال ۲۰۱۲ میلادی اصلاح شده است.^(۷۶)

مثالی که می‌توان در این خصوص بیان داشت، موضوع «نحوه جبران خسارت در سلب مالکیت خصوصی به‌منظور رعایت منافع عمومی» می‌باشد. ماده ۴۲ قانون اساسی ایتالیا در این خصوص بیان می‌دارد: «... سلب مالکیت خصوصی به‌منظور رعایت منافع عمومی صرفاً و در مواردی که قانون پیش‌بینی می‌نماید و به‌شرط جبران خسارت امکان‌پذیر

است...» و ماده ۳۷ مصوبه شماره ۳۲۷ دولت در سال ۲۰۰۱ میلادی^(۷۷) نیز نحوه جبران خسارت را بدین ترتیب مشخص نموده است: «... نیمی از جبران خسارت بر اساس ارزش تجاری زمین مزبور و نیم دیگر بر اساس ارزش مالیاتی آن صورت می‌پذیرد.» که ارزش مالیاتی بسیار پایین‌تر از ارزش تجاری است و بدین ترتیب میزان جبران خسارت تا ۴۰٪ کاهش می‌یابد. از طرفی، دادگاه قانون اساسی مصوبه مذکور را مغایر قانون اساسی تشخیص نداده است.

اما دادگاه اروپایی حقوق بشر در جریان رسیدگی به موضوعی در خصوص سلب مالکیت^(۷۸) به وجود نارسایی در رابطه با جبران خسارت در چارچوب نظام حقوقی ایتالیا اشاره می‌نماید و بدین ترتیب برای دادگاه عالی ایتالیا امکان تجدید نظرخواهی از این مسئله در دادگاه قانون اساسی فراهم می‌شود و متعاقب آن تصمیمات شماره ۳۴۸ و ۳۴۹ دادگاه صادر می‌گردد که موضع کاملاً متفاوتی را در رابطه با قانون مزبور اخذ می‌نمایند (Ferrari and Gambaro, 2008: 6-8).

۷. مقایسه دادگاه قانون اساسی ایتالیا و شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

نظارت شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران بر خلاف دادگاه قانون اساسی ایتالیا علی‌الاصول جنبه پیشینی^(۷۹) داشته و فراتر از آن اینکه مصوبات مجلس شورای اسلامی در مقام قانون‌گذاری بدون تأیید این شورا اعتبار قانونی نمی‌یابند.^(۸۰)

از جمله وظایف و اختیارات دادگاه قانون اساسی ایتالیا تفسیر قانون اساسی و نیز رسیدگی به درخواست همه‌پرسی برای لغو کلی یا جزئی یک قانون می‌باشد که مشابه این دو وظیفه برای شورای نگهبان نیز تعریف گشته است. در عین حال، صدور نظریات تفسیری توسط شورای نگهبان بر خلاف دادگاه قانون اساسی به‌عنوان یک وظیفه اصلی به حساب آمده و صرفاً ضمن رسیدگی به درخواست بررسی عدم مطابقت قانون با قانون اساسی صادر نمی‌گردد. علاوه بر این، تأیید برگزاری همه‌پرسی توسط شورای نگهبان مطلق بوده و فقط به لغو کلی یا جزئی یک قانون محدود نمی‌گردد.

در نهایت نیز از وجوه کاملاً متمایز کننده دادگاه قانون اساسی و شورای نگهبان،

رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور و حل و فصل تعارضات اختیارات بین دولت و ایالات و ایالات با یکدیگر و نیز بین دستگاه‌های دولتی است که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به علت وجود ساختار متفاوت، شورای نگهبان دارای چنین وظایف و اختیاراتی نمی‌باشد. در جدول ذیل به تفاوت‌های بین دو نهاد مزبور اشاره شده است:

جدول مقایسه نهاد شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران و دادگاه قانون اساسی جمهوری ایتالیا

عنوان قیاس	ایتالیا	ایران
تعداد اعضاء	۱۵ قاضی	۶ حقوقدان و ۶ فقیه
نحوه انتخاب اعضاء	۵ قاضی با رأی اکثریت سه دادگاه عالی ایتالیا ۵ قاضی با انتخاب رئیس جمهور ۵ قاضی با رأی اکثریت اعضاء مجلسین	۶ فقیه با انتخاب مقام رهبری ۶ حقوقدان با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب مجلس شورای اسلامی
مدت عضویت اعضاء	۹ سال و غیر قابل تمدید	۶ سال و امکان عضویت مجدد
امکان عزل	با رأی دو سوم اعضاء دادگاه و صرفاً در موارد خاص ناتوانایی‌های جسمی	فقها توسط رهبری قابل عزل اند قانون در خصوص حقوقدانان ساکت است
صلاحیت‌ها (موارد اصلی)	بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی حل و فصل تعارضات اختیارات بین دستگاه‌های دولتی، بین دولت و مناطق، و میان مناطق رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور رسیدگی به درخواست رفراندوم	تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع و قانون اساسی نظارت بر انتخابات تفسیر قانون اساسی
شیوه دادرسی اساسی	روش کنترل قضایی	روش کنترل سیاسی
نحوه رسیدگی به مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی	پسینی (در جریان رسیدگی به دعوی قضایی و با درخواست قاضی دادگاه)	نظارت قانون اساسی: پیشینی (قبل از اعتبار قانونی یافتن مصوبات) نظارت شرعی: هم پیشینی و هم پسینی
نحوه شروع به تفسیر قانون اساسی	به طور تبعی و صرفاً در جریان رسیدگی به درخواست مطابقت قانون با قانون اساسی	به طور رسمی و با ارجاع مقام رهبری و یا درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان
اعتبار تصمیمات	در صورت رد عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی فقط در همان موضوع در صورت تأیید عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی و دیگر صلاحیت‌ها عام الشمول و قطعی می‌باشد.	عام الشمول، قطعی و لازم الاجراء

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

ایجاد و تأسیس نهادهای عالی جهت تضمین رعایت اصول قانون اساسی و حقوق بنیادین اشخاص، نوآوری و ابتکار نظام‌های حقوقی معاصر به‌شمار می‌آید. در واقع، نتیجه منطقی اصل برتری قانون اساسی این است که باید مرجعی تعیین گردد تا صلاحیت بررسی قوانین عادی را داشته باشد و بتواند با تطبیق آن با قانون اساسی، نسبت به سازگاری این دو با هم، حکم صادر نماید و در صورتی که آن را خلاف قانون اساسی تشخیص داد بطلان آن را اعلام کند و یا از تصویب آن جلوگیری به‌عمل آورد.

قانون اساسی سال ۱۹۴۷ میلادی ایتالیا، نهاد دادگاه قانون اساسی را به‌عنوان دادگاهی خاص و فارغ از گرایش‌های سیاسی، خارج از ساختار سلسله مراتبی دادگاه‌های عادی و در پاسخ به نظریه «تمرکز در نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی» ایجاد نموده که هدف اصلی آن صیانت از قانون اساسی و اعمال کنترل بر پارلمان می‌باشد.

رسیدگی دادگاه قانون اساسی ایتالیا به‌صورت غیرمستقیم و تبعی و آن هم به‌واسطه ارسال درخواست رسیدگی توسط قاضی دادگاه عادی ضمن بررسی دعوی دیگری صورت می‌پذیرد که اگر دادگاه رأی به عدم مطابقت قانون با قانون اساسی دهد، قانون مزبور باطل اعلام شده و این بطلان نیز کلی و همیشگی است و نسبت به همه مصادیق آن مجری خواهد بود.

یادداشت‌ها

1- Napoleonic rule and Roman law

۲- Victor Emmanuel: ویکتور امانوئل از سال ۱۸۴۹ لغایت ۱۷ مارس سال ۱۸۶۱ میلادی پادشاهی ایتالیا را بر عهده داشته است.

۳- Italian unification (Italian: il Risorgimento): جنبشی سیاسی - اجتماعی در قرن ۱۹ است که در آن کشورهای مختلف شبه جزیره ایتالیا به دولت واحد ایتالیا تغییر یافتند.

۴- king of Sardinia: پادشاهی ساردینیا از اوایل قرن ۱۴ تا اواسط قرن ۱۹ عنوان دولتی در اروپا بوده است که امروزه به نام ایتالیا شناخته می‌شود.

5- Benito Amilcare Andrea Mussolini

6- Fascist regime of Italia

7- Parliamentary Republic System

8- The Italian Constituent Assembly (Italian: Assemblea Costituente della Repubblica Italiana)

9- The Fundamental Principles (Italian: Principi Fondamentali)

10- Rights and Duties of Citizens (Italian: Ordinamento della Repubblica)

11- Organisation of the Republic (Italian: Ordinamento della Repubblica)

۱۲- دموکراسی مستقیم در خصوص رفتارندوم برای لغو قوانین موجود و رد یا قبول اصلاحات قانون اساسی و نیز قوانین بنیادین پذیرفته شده است. دموکراسی مستقیم اغلب در سطوح محلی و ایالات ممکن می‌باشد.

13- Senate of the Republic

۱۴- مواد ۵۶ و ۶۰ قانون اساسی ایتالیا

15- Chamber of Deputies

۱۶- مواد ۵۷، ۵۸، ۵۹ و ۶۰ قانون اساسی ایتالیا

۱۷- ماده ۷۰ قانون اساسی ایتالیا

۱۸- ماده ۷۳ قانون اساسی ایتالیا

19- Laws 276 and 277 of 1993 (so-called Mattarellum)

20- proportional voting system

۲۱- به‌عنوان مثال، به‌دنبال استعفای سیلیویو برلوسکونی نخست وزیر ایتالیا، به خاطر عدم توانایی در کنترل بحران بدهی ایتالیا در سال ۲۰۱۱، آقای ماریو مونتی جایگزین وی شد. در دسامبر ۲۰۱۲، برلوسکونی قصد خود را در خصوص نیل به مقام نخست وزیری برای چهارمین بار اعلام نمود و متعاقب آن حزب وی، حمایت سیاسی خود را از کابینه مونتی باز پس گرفت و مونتی مجبور به اعلام استعفا گردید که طبق قانون، انتخابات پارلمانی ظرف ۷۰ روز پس از انحلال

پارلمان باید صورت پذیرد و این مسئله در ۲۴ و ۲۵ فوریه ۲۰۱۳ میلادی تحقق یافت.

22- Legge 21 dicembre 2005, n.270: Modifiche alle norme per l'elezione della Camera dei deputati e del Senato della Repubblica

۲۳- ماده ۸۷ قانون اساسی ایتالیا

۲۴- ماده ۸۳ قانون اساسی ایتالیا

۲۵- در خصوص اعمال دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران باید اظهار داشت که این مهم توسط شورای نگهبان به‌عنوان یک نهاد خاص خارج از دستگاه قضایی انجام می‌پذیرد.

26- Hans Kelsen

27- West Germany (1949), Portugal (1974), Spain (1978) and... .

۲۸- تعیین قضات دادگاه به ویژه در خصوص انتخاب ۵ عضو توسط پارلمان، محصول توافق یا سازش سیاسی می‌باشد و این توافق تا ۳۰ نوامبر ۱۹۵۵ حاصل نشد (فاورو، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

۲۹- هرچند دادگاه قانون اساسی به‌طور مستقیم توسط قانون اساسی ایتالیا تأسیس گشته است، این دادگاه پس از تصویب قوانین اجرایی لازم در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۳ قابلیت اجرا پیدا نمود.

۳۰- اصل ۹۱ قانون اساسی ایران نیز علت اصلی تشکیل شورای نگهبان را تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت ذکر نموده است.

۳۱- ذیل اصل ۹۱ قانون اساسی ترکیب شورای نگهبان را مشخص می‌نماید: «... ۱- شش نفر از فقهای ... با انتخاب مقام رهبری. ۲- شش نفر حقوقدان با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب مجلس».

32- Corte di cassazione

33- Corte dei conti

34- Consiglio di Stato

35- Silvio Berlusconi

36- Dini government

۳۷- طبق ماده ۱۳ و ۱۴ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، جلسات شورای نگهبان و نیز جلسات فقهاء به‌ترتیب با حضور ۷ نفر و ۴ نفر از اعضاء رسمی است؛ که البته اخذ آراء جز در موارد ضروری و یا حصول رأی لازم با حضور حداقل ۹ نفر و ۵ نفر خواهد بود.

۳۸- قانون اساسی ایران در بند ۳ اصل ۱۱۰، مسئله عزل و استعفاى فقهای شورای نگهبان را مطرح نموده است و در خصوص حقوقدانان سکوت کرده است. ماده ۳ آیین‌نامه داخلی شورا نیز ترتیبات استعفاى اعضاء شورا را مطرح نموده است.

۳۹- در نظام حقوقی ایران، قانون الحاق یک تبصره به قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ (مصوب ۱۳۸۸/۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام) مقرر داشته است: «عضویت

همزمان کلیه اشخاص شاغل در هریک از قوای سه گانه و مؤسسات و سازمانهای تابعه آنها و شرکتها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام بوده و به هر مقدار از بودجه کل کشور استفاده می نمایند، در شورای نگهبان به جز مشاغل آموزشی موضوع تبصره ۱ و افراد موضوع تبصره ۸ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ به عنوان حقوقدان ممنوع است...».

۴۰- بودجه دادگاه قانون اساسی ایتالیا در سال ۲۰۱۲ میلادی در حدود ۵۲٫۷ میلیون یورو بوده است.

۴۱- طبق ماده ۳ آیین نامه داخلی شورای نگهبان، شورا دارای سازمانی اداری می باشد که وظائف و اختیارات و نمودار تشکیلاتی آن با پیشنهاد دبیر شورا، به تصویب شورای نگهبان می رسد.

۴۲- مطابق اصول ۴، ۷۲ و ۹۱ تا ۹۸ قانون اساسی ایران، شورای نگهبان کارکردهای تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و تفسیر قانون اساسی بر عهده دارد.

43- delegated legislative decrees (Italian: decreti legislativi delegati).

۴۴- در نظام حقوقی ایران علاوه بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، تشخیص عدم مغایرت اساسنامه سازمانها، شرکتها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت با قانون اساسی و شرع که توسط دولت مورد تصویب قرار گرفته اند نیز طبق اصل ۸۵ بر عهده شورای نگهبان می باشد.

۴۵- اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از این جهت دارای اطلاق است و بنابراین قوانینی که قبل از تأسیس شورای نگهبان به تصویب رسیده اند، توسط شورا قابل رسیدگی می باشند (در نظریه تفسیری شورای نگهبان شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸). ماده ۴۱ دیوان عدالت اداری است نیز مقرر می دارد: «در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می شود...».

46- The “incidental” system of constitutional review

۴۷- طبق اصل ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود.

48- Clearly Unfounded

۴۹- ماده ۱۲۷ قانون اساسی ایتالیا: هر قانونی که به تصویب شورای ایالت رسیده باشد، باید به اطلاع نماینده دولت برسد و وی قانون مزبور را باید در صورت عدم ایراد از سوی دولت، ظرف مدت ۳۰ روز پس از اطلاع، مورد تأیید قرار دهد ...

50- Sicilia

51- Regio decreto legislativo n. 455, 1946

۵۲- شایان ذکر است که پارلمان ایتالیا در پایان دوره مجلس قانونگذاری سیزدهم قانون بنیادین شماره ۳ سال ۲۰۰۱ میلادی (Legge costituzionale n. 3/2001) را به تصویب رساند و بخش‌هایی از قانون اساسی که به روابط دولت و ایالات مربوط بود را اصلاح نمود.

۵۳- ماده ۹۰ قانون اساسی ایتالیا: رئیس جمهور در مورد نتایج انجام وظایف خویش مسئول نخواهد بود، مگر اینکه مرتکب خیانت به میهن گردد و در اجرای قانون اساسی تعدی کند ...

۵۴- این ماده به موجب قانون بنیادین شماره ۲ مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ و نیز قانون بنیادین شماره یک مصوب ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ میلادی اصلاح شده است.

۵۵- تجربه دادگاه قانون اساسی ایتالیا در رسیدگی به اتهامات دو تن از وزراء (۱۹۷۸-۱۹۷۹) و تعطیلی دیگر فعالیت‌های دادگاه برای یک دوره زمانی موجب شد قانون بنیادین شماره ۱ سال ۱۹۸۹ اعلام داشت که صلاحیت خاص جنایی دادگاه صرفاً در خصوص رئیس جمهور اعمال می‌گردد و رسیدگی به اتهامات وزراء در صلاحیت دادگاه‌های کیفری عادی می‌باشد.

۵۶- اصل ۱۴۰ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی انجام می‌شود.» همچنین طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰، «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم» در زمره وظایف مقام رهبری قرار گرفته است.

۵۷- شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۴۱۰۴ / ۳۰ / ۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ اعلام نموده است که درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود.

۵۸- ماده ۷۵ قانون اساسی ایتالیا: ... مراجعه به آرای عمومی در مورد قوانین مالیاتی و بودجه و همچنین عفو و بخشودگی و تخفیف مجازات و تصویب معاهدات بین‌المللی مجاز نمی‌باشد ...

۵۹- برخلاف دادگاه قانون اساسی ایتالیا، یکی از وظایف مهم شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران ارائه مطابق با اصل ۹۸ قانون اساسی، ارائه تفسیر رسمی از اصول قانون اساسی می‌باشد.

60- Adultery by a wife

61- Indirect review (Italian: a posteriori)

۶۲- چنانچه دولت تشخیص دهد که قانون مصوب شورای ایالت خارج از صلاحیت شورای مذکور بوده و با منافع ملی یا منافع دیگر ایالات مغایرت دارد، قانون مذکور را در فرصتی که برای تأیید تعیین گردیده است، به شورای ایالت عودت می‌دهد ...

۶۳- طبق اظهار نظر دادگاه قانون اساسی، «قانون» مشتمل بر قوانین موضوعه دولت و ایالات، مقررات دولتی (و نه ایالات) و قوانین بنیادین می‌باشد (Ferrari, 2008: 195).

64- consequential unconstitutionality**65- sentenze di accoglimento****66- sentenze di rigetto**

۶۷- ماده ۱۲۶ قانون اساسی ایتالیا: در صورت اعلام مغایرت یک قانون یا سند قانونی با قانون اساسی، قانون یا سند فوق‌الذکر از روز پس از اعلام دادگاه از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

68- Judgments and Orders (Italian: Sentenze & ordinanze)**69- Inadmissible decision (Italian: sentenze inaccettabile)****70- Interpretative decisions (Italian: sentenze interpretative)**

71- interpretative decisions on conformity (Italian: sentenze interpretative di rigetto) interpretative decisions on non-conformity (Italian: sentenze interpretative diaccoglimento)

72- Manipulative decisions (Italian: sentenze manipolative)

۷۳- شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران نیز نظریات تفسیری متعددی را ذیل اصول فصل حقوق ملت قانون اساسی صادر نموده است.

74- European Court of Human Rights

۷۵- کنوانسیون اروپایی سال ۱۹۵۰ جلوگیری از نقض حقوق بشر را در خصوص اشخاص حقوقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته است. در همین رابطه، دادگاه اروپایی حقوق بشر نمی‌تواند جایگزین نهادهای ملی باشد و صرفاً قادر است که از دولت مزبور بخواهد نقض صورت پذیرفته را در صورت ممکن جبران کرده و یا خسارات وارده را پرداخت نماید.

۷۶- ماده ۱۱۷ قانون اساسی ایتالیا، اصلاحی سال ۲۰۱۲ میلادی: «اختیارات قانونگذاری با رعایت مطابقت با قانون اساسی و نیز محدودیت‌های حاصله از قانونگذاری اتحادیه اروپا و الزامات بین‌المللی به دولت مرکزی و ایالات اعطا می‌گردد...».

77- Art. 37, Presidential Decree no. 327/2001**78- Case Scordino v. Italia 2006**

۷۹- لازم به ذکر است که «پیشینی» بودن نظارت شورای نگهبان به نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی مربوط می‌گردد و در خصوص نظارت شرعی شورای نگهبان می‌توان به «پسینی» بودن آن اشاره نمود. ر.ک به: یادداشت شماره ۴۵.

۸۰- اصل ۹۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مقرر می‌دارد: مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضاء شورای نگهبان.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

فاورو، لویی (۱۳۸۷)، «دیوان قانون اساسی ایتالیا»، برگردان علی اکبر گرجی، نشریه حقوق اساسی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۱۱۱-۱۲۴.

ب) لاتین

- A. Alito, Samuel (1972), **An Introduction to the Italia Constitutional Court**, Woodrow Wilson School Scholar Project, professor F.Morphy
- Adams, John Clarke; Barile, Paolo (1953), "The American Political Science Review: The Implementation of the Italian Constitution", **American Political Science Association**, Vol. 47, No. 1, 61-83
- "**Constitution of The Italian Republic**", The Parliamentary Information Archives and Publications Office of the Senate, Service for Official Reports and Communication
- Einaudi, Mario (1948), "The American Political Science Review: The Constitution of the Italian Republic", **USA, American Political Science Association**, No. 4, Vol. 42, 661-676
- Farrelly, David G; H. Chan, Stanley (1957), Italy's Constitutional Court: Procedural Aspects, **The American Journal of Comparative Law**, Vol.6, No.2/3, pp. 314-327
- Ferrari, Giuseppe Franco (2008), **Introduction to Italian Public Law**, Giuffrè Editore
- Ferrari, Giuseppe Franco; Gambaro, Antonio (2008), "The Italian Constitutional Court and Comparative Law-A Premise", **comparative law review**, vol 1, 1-22
- Gentili, Gianluca (2008), **Individual Constitutional Complaint in Italy: Projects of Introduction and an Assessment of the Real Advantages for the Protection of Fundamental Rights**, University of Trento, 3rd Edition
- Gentili, Gianluca (2008), **Concrete Control of Constitutionality in Italy**, University of Trento, 3rd Edition
- Groppi, Tania (2010), The Italian constitutional court: Towards a multilevel system of constitutional review, **Indian Journal of Constitutional Law**, Vol 4, 100-117
- McGaw Smyth, Howard (1948), "The Western Political Quarterly, Italy: From Fascism to the Republic (1943-1946)", **University of Utah**, Vol. 1, No. 3, 205-222
- Panjo, Simone (2009), Regionalism in the Italian constitutional System, **Diritto and questioni pubbliche**, 625-642

Quaranta, Alfonso (2012), "**The Italian Constitutional Court**", translation of Clare Tame, Servizi Tipografici Carlo Colombo s.r.l, Rome, Italy

Robbers, Gerhard (2007), **Encyclopedia of World Constitutions**, Facts On File Inc, United States of America

S.Dengler, Daniel (2001), "**The Italian Constitutional Court**": **Safeguard of the Constitution**, USA, Dickinson School of Law, Carlisle, PA

ج - پایگاه‌های‌های اینترنتی

<http://www.cortecostituzionale.it>